

# سیاست جنایی ایران در قبال اختلاس

محمد رضا الهی منش\*

محسن مرادی اوجقاز\*\*

محمد رضایی بشیر\*\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۴/۷/۴

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۲۷

## چکیده

دولت‌ها برای اداره جامعه و سامان بخشیدن به روابط اجتماعی، بخش عظیمی از سرمایه، اموال و اسناد خود را در اختیار کارکنان خود قرار می‌دهند. ممکن است کارکنان دولتی نسبت به وجوه، اموال و اسناد دولت، که حسب وظیفه به آنان سپرده شده است مرتکب تعدی یا تفریط شوند. به منظور جلوگیری از سوءاستفاده کارکنان دولت از سرمایه و اموال دولتی و یا اشخاص و تضمین این سرمایه، قانونگذار درصد حمایت کیفری از آنها برمی‌آید که این حمایت کیفری، اختلاس نام دارد. بزه اختلاس، از جمله تعدیات کارمندان دولت و یا سایر مأموران به خدمات عمومی است که نسبت به اموال دولت و اشخاص انجام می‌گیرد. آثار زیان‌بار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اختلاس، بر کسی پوشیده نیست و ارتکاب آن باعث ایجاد بدبینی نسبت به دولت و کارکنان آن می‌شود. نظام حقوقی ایران برای پاسخ در قبال بزه اختلاس نیازمند سازماندهی جدیدی است که با نظرات اندیشمندان در مورد سیاست جنایی منطبق باشد. در حال حاضر، سیاست جنایی در قبال بزه مزبور سیاستی سرکوب‌گرانه و قهرآمیز است و سیاست تقنینی ایران دچار دوگانگی و بعضاً نیز سیاست جنایی و قضایی با هم در تضاد هستند. پیش‌بینی مجازات‌های سنگین مثل حبس‌های طولانی مدت و حتی اعدام، برای مبالغ ناچیز، ناشی از دیدگاه سنتی کیفر و بی‌توجهی به آموزه‌های جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی است. قضات برای پرهیز از تبعات سوء فرایند کیفری، در اعمال چنین مجازات‌های سنگینی دچار تردید می‌شوند. از دیگر سو، به مسأله پیشگیری از وقوع جرم به عنوان مؤثرترین بخش سیاست جنایی، برای کاهش اثرات سیاست جنایی قهرآمیز که در حال حاضر با چالش جدی مواجه است، توجه چندانی نمی‌گردد.

**واژگان کلیدی:** اختلاس، سیاست جنایی، پیشگیری.

\*استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال (نویسنده مسؤول).

Elahimanesh92@yahoo.com

\*\*دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی.

Mohsen\_Moradi@gmail.com

\*\*\*دانش آموخته کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی.

M.rezaeibashir@yahoo.com

## مقدمه

اختلاس، از جمله تعدیات کارکنان دولت و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و مأمورین به خدمات عمومی است که نسبت به اموال متعلق به دولت یا سایر اشخاص انجام می‌گیرد. به منظور جلوگیری از سوءاستفاده کارکنان دولت نسبت به سرمایه و اموال دولت و اشخاص و تضمین این سرمایه‌ها، قانون‌گذار درصدد حمایت کیفری از این اموال برمی‌آید تا کارکنان دولت، وجوه و اموال عمومی را تصاحب نکنند. این تضمین کیفری، در زبان قانونگذار «اختلاس» نام دارد.

رویه قضایی ایران در مورد اختلاس، از جهات گوناگون دچار اختلاف نظر و تشتت است؛ مثلاً در مواردی که مرتکب به نفع دیگران وجه یا مالی را تصاحب می‌کند، رویه قضایی محاکم بیشتر به نفع کارمند دولت است؛ در حالی که طبق قانون، برداشت مال دولت به نفع خود یا دیگری، تأثیری در تحقق اختلاس ندارد و آن شخصی که وجه یا مال دولت به نفع وی تصاحب شده است در معرض بزه «تحصیل مال از طریق نامشروع» قرار می‌گیرد.

به نظر می‌رسد که چنین تفاسیری با اصول حقوقی سازگاری ندارد؛ یا اینکه مثلاً برخی از محاکم، رسیدگی به بزه اختلاس را در صلاحیت مراجع قضایی استان می‌دانند و برخی دیگر آن را در صلاحیت مراجع قضایی محل وقوع جرم.

مطلب بعدی که لازم است ذکر شود، بیان وجوه اشتراک و افتراق اختلاس با سایر جرایم مالی کارکنان دولت، مثل تصرف غیرقانونی، تدلیس در معاملات دولتی و ... است تا در تشخیص، دچار خطا نشویم.

در این مقاله بر آن هستیم تا به بررسی و تبیین سیاست جنایی کشورمان در خصوص بزه اختلاس بپردازیم.

## ۱ - مفهوم شناسی

اختلاس، واژه‌ای عربی است از باب افتعال و ریشه آن «خلس» است. از نظر لغوی، اختلاس به معنای ربودن، زود ربودن، دزدیدن، پولی را پنهانی و بدون حق از صندوق بنگاه یا اداره‌ای برداشتن می‌باشد (عمید، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۹۴).

مفهوم فقهی اختلاس به معنای لغوی آن نزدیک‌تر است. مرحوم آیت‌الله خویی در تعریف اختلاس می‌گوید: «مختلس کسی است که مال را به صورت پنهانی و با استفاده از غفلت صاحب مال می‌رباید. مختلس مستوجب حد نیست بلکه باید تعزیر شود» (خویی، ۱۳۶۹ق، ج ۲، ص ۲۳۴).

شیخ طوسی، مختلس را کسی می‌داند که چیزی را به صورت علنی در جاده‌ها و راه‌ها می‌رباید و بر او حدّ قطع نباید جاری کرد بلکه باید مجازاتی بازدارنده به کیفیتی که امام یا شخص منصوب از طرف او صلاح می‌داند درباره‌اش اجرا شود (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۴۳). در هر حال، در فقه شیعی، اختلاس را ربودن (قاپ زنی) آشکار می‌نامند که به جای اجرای حد، مرتکب تعزیر می‌شود؛ چون چنین شخصی مسؤول حمایت و حفاظت از اموال دولتی است مختلس محسوب می‌گردد.

بنابر مراتب فوق، می‌توان اختلاس را چنین تعریف نمود: «هرگاه هریک از کارکنان دولت اعم از رسمی، پیمانی، آزمایشی و قراردادی، بر حسب وظیفه، اموال منقول مربوط به دولت یا اموالی که از طرف اشخاص نزد دولت به امانت سپرده شده است را در اختیار داشته و آنها را عالماً و عامداً به نفع خود یا شخص ثالثی برداشت یا تصاحب نماید» (الهی‌منش و مرادی اوجقاز، ۱۳۹۳، الف، ص ۱۸۰).

## ۲- سابقه تقنینی جرم اختلاس

برای اولین بار جرم اختلاس در ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی مصوب ۲۳ دی ماه ۱۳۰۴ پیش‌بینی شد. در ۱۶ آذر ماه سال ۱۳۰۶، قانون مجازات مختلسین اموال دولتی به تصویب رسید که ماده ۲ آن مربوط به اختلاس بود؛ سپس در سال ۱۳۰۸، ماده واحده متمم قانون جزای عمومی دولت به تصویب رسید و وظیفه مذکور در ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی مصوب ۲۳ دی ماه ۱۳۰۴ را تعریف کرد.<sup>۱</sup>

در سال ۱۳۰۷، قانون محاکمات نظامی به تصویب رسید که ماده ۲۷۱ آن ناظر به جرم اختلاس بود. این قانون در سال ۱۳۱۸ با تصویب قانون دادرسی و کیفر ارتش نسخ گردید که در ماده ۴۰۰ قانون اخیر، جرم اختلاس مورد اشاره واقع شده بود.

در سال ۱۳۵۲، قانون مجازات عمومی اصلاح شد و برای اولین بار جرم اختلاس از تصرف غیرقانونی تفکیک گردید.

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری در سال ۱۳۶۷ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید.

۱- وظیفه مذکور در ماده ۱۵۲ قانون کیفر همگانی نه تنها وظیفه‌ای است که به موجب قانون یا نظام‌نامه اداری تعیین می‌شود بلکه هر کاری یا وظیفه‌ای که مستخدم رسمی یا غیر رسمی عملاً به امر مافوق انجام می‌دهد وظیفه او باید شناخته شود.

در ماده ۵ این قانون، عمده اشکالات قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ برطرف گردید. همچنین مقررات خاصی در مورد محدودیت تخفیف و تبدیل مجازات مقرر شد.

### ۳- عناصر تشکیل دهنده بزه اختلاس

#### ۳-۱- عنصر قانونی

در این خصوص، ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام بیان می‌دارد: «هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها و شوراها و یا شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی یا غیر رسمی، وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا سهام و اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها و مؤسسات فوق‌الذکر و یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است، به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب و ...».

همچنین ماده ۴ قانون فوق در بیان جرم اختلاس شبکه‌ای و بانندی، بیان می‌دارد: «کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیرمنقول که از طریق رشوه کسب کرده‌اند به نفع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم می‌شوند و در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشند مجازات آنها مجازات مفسد فی الارض خواهد بود».

#### ۳-۲- عنصر مادی

مهم‌ترین رکن متشکله هر جرمی، رکن مادی است و بدون ارتکاب عنصر مادی، جرم واقع نمی‌شود که اجزای آن به شرح ذیل می‌باشند:

##### ۳-۲-۱- رفتار مجرمانه

برای تحقق جرم اختلاس، مثل اغلب جرایم مالی، عمل مرتکب باید به شکل فعل مثبت باشد و ترک فعل نمی‌تواند عنصر مادی جرم اختلاس را تشکیل دهد و رفتاری که ارتکاب

آن لازمه تحقق جرم اختلاس است برداشت و تصاحب است. این عبارت، ظهور در فعل مادی یا همان فعل مثبت دارد.

### ۲-۲-۳- سمت مرتکب

از جمله شرایط ضروری برای تحقق جرم اختلاس این است که مرتکب از کارمندان<sup>۱</sup> و کارکنان دولت یا مؤسسات مذکور در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری باشد. این ماده، با عبارت «هریک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها...» شروع می‌شود؛ لذا اصل این است که اختلاس، ناظر بر جرایم کارکنان دولت بوده و مرتکب نیز بایستی در حین برداشت یا تصاحب «کارمند دولت» باشد. همچنین بطور استثنا، دخل و تصرف در اموالی که بر حسب وظیفه به کارمندان دولت سپرده شده نیز در حکم اختلاس است و بزه‌ی که در شرکت دولتی، اختلاس نام دارد در شرکت‌های خصوصی ممکن است از مصادیق سرقت، کلاهبرداری و یا خیانت در امانت باشد (الهی‌منش و مرادی اوجقار، ۱۳۹۳، الف، صص ۱۸۲-۱۸۳).

### ۳-۳- عنصر معنوی جرم اختلاس

در بزه اختلاس، احراز دو نوع سوءنیت شرط است:

- الف) سوءنیت عام:** یعنی باید ثابت شود که مرتکب، عالماً و عامداً مال دولت یا اشخاصی را که به وی سپرده شده، تصاحب و برداشت نموده است.
- ب) سوءنیت خاص:** به معنی تحصیل منفعت برای خود یا دیگری و اضرار دولت و اشخاص است و باید بین عمل مرتکب و نتیجه حاصله، رابطه علیت وجود داشته باشد.

### ۴- شرایط دیگر تحقق بزه اختلاس

#### ۴-۱- سپرده شدن موضوع جرم به مرتکب

از دیگر شرایط تحقق جرم اختلاس این است که مال موضوع جرم باید قبلاً به مرتکب تسلیم (اعم از مادی یا حکمی و اعتباری) یا سپرده شده باشد (گلدوزیان، ۱۳۸۸، ص ۲۷۴)؛ بنابراین، از شرایط تحقق جرم اختلاس این است که موضوع جرم باید بر حسب وظیفه و به

۱- کارمند در لغت به معنای کسی است که در اداره یا بنگاهی کار می‌کند و به عنوان عضوی از اداره معنا شده است.

اعتبار شغل و سمت اداری به مرتکب (کارمند) سپرده شده باشد. مقنن در این خصوص در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری، مقرر می‌دارد: «... که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است...».

پس برای تحقق جرم اختلاس، لازم است این موضوع احراز شود که موضوع جرم، بر حسب وظیفه به مأمور دولت سپرده شده است؛ در غیر این صورت، بزه اختلاس منتفی است. همچنین، مراد از سپرده شدن، تسلیم مال به مرتکب است.

#### ۱-۱-۴- موضوع جرم اختلاس

بطور کلی، موضوع جرم، چیزی است که جرم بر آن واقع می‌شود. طبق ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری، موضوع بزه اختلاس عبارت است از: وجوه، مطالبات، حواله‌ها، سهام، اسناد، اوراق بهادار و مال. در این خصوص، توجه به دو مطلب ضروری است: اولاً، اموال دولتی، اموالی هستند که از طریق بودجه عمومی کل کشور تهیه شده و در اختیار قوای سه‌گانه قرار می‌گیرند. ثانیاً، اختلاس فقط شامل اموال منقول می‌گردد و اموال غیرمنقول را در بر نمی‌گیرد؛ چراکه برداشت و تصاحب اموال غیرمنقول، از لحاظ عملی نیازمند تشریفات خاصی است که در صورت عدم رعایت تشریفات مذکور، امکان تصاحب آن غیرممکن است (الهی‌منش و مرادی اوجقاز، ۱۳۹۳، الف، صص ۱۸۴-۱۸۵).

#### ۲-۴- تعلق مال به دیگری

از جمله شرایط مشترک بین جرایم مالی مثل سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت، تخریب و اختلاس این است که موضوع جرم باید متعلق به دیگری باشد.

#### ۳-۴- نتیجه مجرمانه

اختلاس، از جمله جرایم مقید است؛ یعنی تحقق آن منوط به حصول نتیجه‌ای خاص است. نتیجه در بزه اختلاس، محرومیت دولت یا اشخاص از مال یا اموال خویش است؛ بنابراین، تصاحب مال موضوع امانت، از سوی مختلس به نفع خود یا دیگری ضرورت دارد و لزومی به استفاده مرتکب از آن نیست.

## ۵- تاریخچه، تعریف و انواع سیاست جنایی

از نظر لغوی، سیاست به معنای اداره کشور و حکم راندن و رعیت‌داری است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۱۳۸۶۵). برای سیاست جنایی، معانی متعددی ذکر شده است؛ در هر حال، از ویژگی‌های سیاست‌های کلان حکومت، هماهنگی و انسجام آن می‌باشد (تسلیمی، ۱۳۸۶، ص ۹). اصطلاح و مفهوم سیاست جنایی به عنوان یک رشته مطالعات عملی، برای نخستین بار توسط اندیشمند آلمانی، *آنسلم فون فوئر باخ* در کتاب او با عنوان «حقوق کیفری» که در سال ۱۸۰۳ م منتشر گردید بکار برده شد. *فوئر باخ*، سیاست جنایی را مجموعه شیوه‌های سرکوب‌گرانه‌ای که دولت با استفاده از آنها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد تعریف کرده است (لازرژ، ۱۳۷۵، ص ۹)؛ به عبارت دیگر، سیاست جنایی (که بهتر است سیاست «ضد جرم» یا «ضد جنایی» توصیف شود) هدف نیست بلکه مجموعه وسایل و امکاناتی است که در خدمت بینش و تلقی خاصی از واکنش اجتماعی علیه جرم قرار داده می‌شود (بیکا، ۱۳۹۰، ص ۴۶). *فون لیست*، در تعریف سیاست جنایی می‌گوید: «مجموعه منظم اصولی که دولت و جامعه به وسیله آنها مبارزه علیه بزه را سازمان می‌بخشد» (لازرژ، ۱۳۸۲، ص ۱۱).

برخی از اندیشمندان در تعریف سیاست جنایی، پیشگیری را در کنار سیستم کیفری لحاظ کرده‌اند. *کلین اسکرا*د می‌نویسد: «سیاست جنایی عبات است از شناخت و وسایلی که مقنن به منظور پیشگیری از وقوع بزه و حمایت از حقوق طبیعی شهروندان، منطبق با گرایش خاص هر دولت می‌تواند بیابد» (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۲۴). در هر حال، سیاست جنایی، یک رشته مطالعاتی است که برحسب داده‌ها و یافته‌های فلسفی و علمی، از جمله یافته‌های جرم‌شناسی و با توجه به اوضاع و احوال تاریخی، سعی در تدوین و ایجاد آموزه‌های سرکوب‌گر (کیفری) و پیشگیرانه دارد که در عمل نسبت به بزهکاری و بزهکار قابل اعمال باشند. *مارک آنسل* (قاضی فرانسوی) معتقد است که سیاست جنایی، هم یک علم است و هم یک فن و موضوع آن فراهم ساختن امکان ارائه بهترین شیوه تدوین قواعد و مقررات موضوعه در سایه یافته‌های علوم جرم‌شناسی است (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۰، ص ۹۸).

امروزه سیاست جنایی، از طرف صاحب‌نظران (البته در مفهوم وسیع)، تدبیری واقع‌بینانه برای کنترل بزهکاری بشمار می‌رود و مفهوم مضیق سیاست جنایی، برای کنترل بزهکاری کارایی لازم را ندارد. سیاست جنایی، دیگر صرفاً متکی به حقوق جزا نیست بلکه درصدد ارائه راهکارهای عملی و نظری برای اصلاح ساختار جامعه، از بین بردن علل

وجود آورنده بزهکاری یا محدود کردن آن علل، اصلاح مجرمان و بازاجتماعی کردن آنها و در نهایت، ترمیم آثار به شکل نظام‌مند می‌باشد. در این تعریف، سیاست جنایی، بخشی از سیاست اجتماعی یک کشور محسوب می‌شود و حقوق کیفری نیز مهم‌ترین قسمت سیاست جنایی است؛ البته در کنار حقوق کیفری، شیوه‌های کنترل اجتماعی از نوع غیر کیفری مثل میانجی‌گری، پیشگیری و ضمانت اجرای اداری نیز برای مبارزه با بزه، به ایفای نقش می‌پردازند (لازرژ، ۱۳۸۲، ص ۱۲۳).

در حال حاضر و با امعان نظر به تعاریف سیاست جنایی (مضیق و موسع) از سوی اساتید و دانشمندان علوم جنایی، سیاست جنایی هم شامل پدیده جنایی و هم انحرافات اجتماعی می‌گردد و کلیه اقدامات و تدابیر کیفری، غیر کیفری و پیشگیرانه را که از سوی دولت‌ها اتخاذ می‌گردد در بر می‌گیرد.

#### ۱-۵- انواع سیاست جنایی

با توجه به گستردگی موضوع و مفهوم سیاست جنایی، می‌توان انواع سیاست جنایی را به شرح زیر برشمرد:

**الف) سیاست جنایی تقنینی:** در واقع، سلیقه قانونگذار در جرم‌انگاری و تعیین مجازات و بطور کلی نحوه مقابله با پدیده مجرمانه را سیاست جنایی تقنینی می‌نامند.

**ب) سیاست جنایی قضایی:** سیاست جنایی قضایی یعنی سیاست جنایی تقنینی، آن‌طور که مورد برداشت، تفسیر و عمل قضات قرار می‌گیرد (قیاسی، ۱۳۸۵، ص ۲۹). سیاست جنایی قضایی در کشور ما بیشتر متأثر از آرای دیوان عالی کشور، نظرات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه، آرای دادگاه عالی انتظامی قضات و بخشنامه‌های رئیس قوه قضائیه است؛ در واقع، سیاست جنایی در تصمیم، رویه و عملکرد محاکم، نمود و انعکاس پیدا می‌کند که مورد برداشت، تفسیر و عمل قضات قرار می‌گیرد. با توجه به استقلال قضات، در عمل ممکن است سیاست جنایی قضایی، منطبق با سیاست جنایی تقنینی نباشد؛ یعنی امکان دارد قضات، متون قانونی را به شکل متفاوتی درک و تعبیر کنند.

**پ) سیاست جنایی اجرایی:** اجرای سیاست جنایی تقنینی و نحوه اجرای واکنش اجتماعی علیه پدیده مجرمانه را سیاست جنایی اجرایی گویند و چون هدفش مشارکت دادن شهروندان و جامعه مدنی در راستای تحقق سیاست‌های جنایی تقنینی و قضایی



است لذا می‌توان آن را سیاست جنایی مشارکتی نیز نامید؛ هرچند برخی سیاست جنایی مشارکتی را غیر از سیاست جنایی اجرایی می‌دانند.

## ۲-۵- انواع سیاست جنایی ایران در قبال بزه اختلاس

### ۱-۲-۵- سیاست جنایی تقنینی

سیاست جنایی در هر کشوری وابسته به نظام سیاسی آن کشور است. پس از وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی که با تغییر سیاق حکومت و ایدئولوژی همراه بود، تحوّل عمیقی در سیاست جنایی ایران ایجاد گردید که با توجه به شتاب‌زدگی و آرمان‌گرایی قانونگذار جدید، مجالی برای تأمل و تدبیر عملی و شناخت نیازها در قانونگذاری باقی نماند. بزه اختلاس نیز متأثر از این سیاست است که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم.

### الف) تعدد مراجع قانونگذاری

در کشور ما غیر از مجلس شورای اسلامی که وظیفه تقنین را بر عهده دارد، مراجع دیگری نیز در وضع قانون، بطور مستقیم و غیرمستقیم ایفای نقش می‌نمایند؛ از جمله شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و کمیسیون‌های داخلی مجلس شورای اسلامی، که هر کدام سیاست‌های خاص خود را دنبال می‌کنند.

در حال حاضر، مبنای عمل محاکم دادگستری در خصوص بزه اختلاس اشخاص عاّذی، ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد و در مورد اشخاص نظامی نیز قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ اجرا می‌شود.

با نگاهی اجمالی به این دو قانون، تفاوت‌هایی در آنها آشکار می‌شود که هر محقق و پژوهشگری را متحیر می‌سازد و نشان می‌دهد که مراجع قانونگذاری در کشور ما از هماهنگی و هم‌آوایی لازم برخوردار نیستند؛ در حالی که از خصوصیات اساسی سیاست جنایی، نظام‌مند بودن آن است. علت این عملکرد دوگانه یا چندگانه را هم بایستی در این نکته جستجو کرد که مقنن، از مهارت قانون‌نویسی بی‌بهره است.

یکی از حقوقدانان در این خصوص می‌نویسد: قانونگذار باید یک انسان متخصص، متعهد و هنرمند باشد و علت ضعف قانون‌نویسی را باید در توجه بیش از حد به حقوق

جزای شرعی دانست؛ در حالی که قسمت اعظم قانون مجازات اسلامی، ترجمه کتب فقهی بدون لحاظ زمان و مکان است و انتظار بیشتری هم از این قانون نمی‌رود که به ظرافت قانون‌نویسی توجه کند. تدوین سیاست جنایی یک کشور از بُعد قانونگذاری که سیاست‌های عمومی جامعه را دربرمی‌گیرد، نیازمند تخصص است. انتخاب قانونگذار باید به نحوی باشد که اشراف به مسائل و آگاهی به علوم جدید را خدشه‌دار نکند. انتخاب افراد صالح اما بی‌اطلاع، همان اندازه مضر است که انتخاب افراد آگاه اما فاقد صلاحیت. قوه قانونگذاری باید متفکر، متخصص و واجد صلاحیت‌های ضروری باشد تا بتواند در تدوین سیاست جنایی پویا و هدفمند مشارکت فعال داشته باشد. قانون‌نویسان ما از روش علمی در تدوین قوانین بهره‌ای نبرده‌اند و تعجیبی ندارد که به دنبال تصویب قوانین، بلافاصله ناچار به اصلاحاتی در آن باشند (نجفی توانا، ۱۳۸۹، ص ۱۶۵).

از آنجا که در سیاست جنایی ایران به موجب قانون اساسی، از حیث اینکه هم قانون را ملاک جرم‌انگاری می‌داند و هم شرع را، دوگانگی وجود دارد، به همان اندازه در حوزه جرایم مالی نیز این دوگانگی به چشم می‌خورد. قانونگذار ایران علاوه بر جرم‌انگاری اختلاس، ارتشاء، سرقت و خیانت در امانت، در ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، تحصیل مال از طریق نامشروع را نیز جرم‌انگاری نموده است.

#### ب) خلأ جرم‌انگاری اختلاس از نهادهای خصوصی

با التفات به افزایش خصوصی‌سازی در کشور، دومین مطلب قابل بررسی در رسالت سیاست جنایی تقنینی راجع به اختلاس، خلأ جرم‌انگاری در نهادهای خصوصی است.

#### پ) غفلت از آموزه‌های جرم‌شناسی

سومین مطلبی که در سیاست جنایی تقنینی ایران، در بزه اختلاس مشهود است رویکرد کیفری و غفلت از آموزه‌های جرم‌شناسی می‌باشد.

واقعیت این است که رویکرد کیفری به بزه اختلاس نمی‌تواند بازدارنده باشد؛ پس توجه به نتایج مطالعات جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی، کیفرشناسی و روی آوردن به واکنش‌های کیفری بر اساس تفکر سنتی، از مؤلفه‌های یک سیاست جنایی مفید و نظام‌مند است و امروزه، تفکری که اعتقاد دارد برای جلوگیری از ارتکاب جرم باید مجازات

تشدید شود، بر اساس مطالعات علمی، رد شده است. آمار زیر نشان‌دهنده شکست رویکرد کیفری در بزه اختلاس می‌باشد:

سال	۱۳۶۶	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳
تعداد محکومین	۲۳۸	۲۹۸	۲۳۹	۳۸۸	۴۱۱

### ۲-۲-۵- سیاست جنایی قضایی

سیاست جنایی قضایی را باید نتیجه سیاست جنایی در دستگاه عدالت کیفری دانست. سیاست جنایی قضایی، محصول کار قوه قضائیه در حوزه عملکرد، رویه قضایی و تصمیمات و احکام دادگاه‌ها می‌باشد. از دیگر سو، با توجه به اصل استقلال قضاوت در امر تصمیم‌گیری، کلیه وصف‌های کیفری، به طور متحدالشکل در آرای قضایی ظاهر نمی‌شوند و استنباط قضاوت در موضوع واحد، یکسان نیست. به این ترتیب، سیاست جنایی قضایی از سیاست جنایی تقنینی فاصله می‌گیرد.

اگر قانونگذار بدون توجه به عرف و انتظارات عمومی، عملی را جرم بداند یا مجازاتی تعیین نماید که در نظر جامعه، متناسب با جرم نباشد، در این صورت، قاضی که عضوی از جامعه است و در تعیین عمل مجرمانه و انطباق آن با قانون دارای اختیار است سعی می‌کند با نگاه عرفی به علل وقوع جرم و لحاظ کردن ناکارآمدی سیستم کیفری و تأثیرپذیری از مطالعات علمی و سیاست‌های کلان دستگاه عدالت کیفری و با در نظر گرفتن اصول تفسیر قوانین کیفری تصمیم بگیرد که ممکن است با سیاست جنایی تقنینی فاصله داشته باشد.

دلیل بعدی که سیاست جنایی قضایی را در تضاد با سیاست جنایی تقنینی قرار می‌دهد سهل‌انگاری در اجرای مجازات و تأثیر پذیرفتن از بعضی افراد صاحب منصب است (نجفی توانا، ۱۳۸۹، ص ۱۷۹).

با این حال، باید اذعان نمود که سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال بزه اختلاس، به دلایل زیر دارای انسجام نبوده و ناقص است:

اولاً: سیاست جنایی ایران در قبال حمایت از اموال بخش دولتی و خصوصی با توجه به رویکرد اصل خصوصی‌سازی در کشور، دوگانه و سازمان‌نیافته است.  
ثانیاً: سیاست جنایی تقنینی ایران به دلیل متعدد بودن مراجع قانونگذاری در قبال

اختلاس، نگرش قدیمی و سنتی به کیفر، ضعف تخصص در قانون‌نویسی و عدم توجه به مطالعات علمی در زمینه جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی، فاقد خصیصه نظام‌مندی و انسجام است.

ثالثاً: وجود تفاوت و تعارض در سیاست جنایی تقنینی و سیاست جنایی قضایی مشهود است و سهل‌انگاری در اجرای مجازات‌ها، ویژگی سرکوب و ارباب و بازدارندگی را از مجازات‌های تقنینی سلب کرده است.

رابعاً: محوریت پاسخ‌های کیفری در حقوق ایران غیرقابل انکار است. سیاست جنایی تقنینی ایران بر مبنای فقهی و شرعی، به شکل شتاب‌زده‌ای موجب تدوین قوانین جزایی با محوریت خاص و کم‌توجه به شرایط جامعه و تحولات فعلی و خصوصاً آینده گردیده است. نخستین پیامد چنین قانونگذاری، فاصله گرفتن از مطالعات جرم‌شناختی، جامعه‌شناسی جنایی و ساختارهای روانی و اجتماعی جامعه است؛ از این رو، سیاست جنایی تقنینی، علی‌الاصول مبتنی بر ابزارهای کیفری است و بدین‌سان مهم‌ترین و کارآمدترین ابزارهای پاسخ به سیاست جنایی یعنی توسل به ابزارهای کیفری، نمود عملی و قانونی یافته است. حقوق کیفری، مسلماً یکی از ارکان سیاست جنایی است اما همه آن را تشکیل نمی‌دهد. سیاست جنایی، علاوه بر حقوق کیفری (یعنی مجموعه قواعد و مقررات حاکم بر واکنش کیفری علیه بزهکاری)، قواعد حقوقی دیگر را، بویژه قواعد اداری بسیار متنوعی که حقوق نخواستنه و پیشگیری از آن تشکیل شده است نیز شامل می‌گردد و در یک کلام، حفظ و حراست آرمان‌های انقلاب اسلامی را (با در نظر گرفتن عملکرد متولیان حقوق ایران) که در قانون اساسی بر پایه فقه اسلامی تبلور یافته، به امنیت‌گرایی سوق داده است؛ از این رو، تدابیر اصلاحی، پیشگیرانه، بازدارنده و واکنش‌های غیرکیفری را کم‌رنگ کرده است.

## ۶- بررسی پاسخ‌های قهرآمیز در مورد اختلاس

مجازات‌ها برحسب ارتباط آنها با یکدیگر، به مجازات‌های اصلی، تتمیمی و تبعی تقسیم می‌شوند. مجازات‌های اصلی، مجازات‌هایی هستند که دادگاه به صورت مستقیم مورد حکم قرار می‌دهد. مجازات‌های تتمیمی نیز به مجازات‌هایی گفته می‌شود که دادگاه، علاوه بر مجازات اصلی، مجازات دیگری می‌افزاید. مجازات تبعی نیز به مجازاتی گفته می‌شود که بدون اینکه در حکم دادگاه قید شود، بر مرتکب تحمیل می‌گردد.

با توجه به ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری، مجازات جرم اختلاس بر حسب مبلغ اختلاس، کیفیت وقوع و سمت مرتکب آن، متفاوت خواهد بود. بر اساس ماده مرقوم: «در صورتی که اختلاس تا پنجاه هزار ریال باشد مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و شش ماه تا سه سال انفصال موقت و هرگاه بیشتر از این مبلغ باشد به دو تا ده سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر مورد علاوه بر رد مال یا وجه مورد اختلاس، به جزای نقدی معادل دو برابر آن محکوم می‌شود».

در تبصره ۱ ماده فوق آمده است: «چنانچه عمل اختلاس توأم با جعل سند و نظایر آن باشد، در صورتی که میزان اختلاس تا پنجاه هزار ریال باشد مرتکب به دو تا پنج سال حبس و یک تا پنج سال انفصال موقت و هرگاه بیش از این مبلغ باشد به هفت تا ده سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر مورد علاوه بر ردّ وجه یا مال مورد اختلاس، به جزای نقدی معادل دو برابر آن محکوم می‌شود».

در ماده ۶ قانون مذکور نیز آمده است: «مجازات شروع به اختلاس حسب مورد، حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود. در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد شروع کننده، به مجازات آن جرم محکوم می‌شود».

مستخدمان دولتی، علاوه بر مجازات مذکور، چنانچه در مرتبه مدیر کل یا بالاتر یا هم‌تراز آنها باشد به انفصال دائم از خدمات دولتی و در صورتی که در مراتب پایین‌تر باشد به شش ماه تا سه سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می‌شود.

طبق ماده ۴ قانون فوق‌الذکر، «مجازات ارتکاب اختلاس شبکه‌ای عبارت است از رد مال، جزای نقدی معادل دو برابر مال یا مجموع اموال، انفصال دائم از خدمات دولتی، حبس از پانزده سال تا ابد و اعدام. همه مجازات‌های تعیین شده، در زمره مجازات‌های اصلی است».

### ۱-۶- پاسخ‌های غیرکیفری

با توجه به دستاوردهای مهم علم جرم‌شناسی، سیاست جنایی دیگر خود را متکی به ضمانت اجراهای کیفری نمی‌داند و مثل گذشته فقط به مجازات بزهکار اکتفا نمی‌کند، بلکه تلاش می‌کند برای مقابله با جرم، از سایر ضمانت اجراها نیز بهره‌برد؛ حتی به اعمال ضمانت اجراهای رسمی نیز اکتفا نمی‌کند و تلاش می‌کند با استفاده از جامعه و همچنین به کار گرفتن تدابیر پیشگیرانه، از وقوع بزهکاری جلوگیری کند.

## ۲-۶- پاسخ اداری به بزه اختلاس

در پاسخ‌های اداری به بزه اختلاس، کارمندان دولت در صورت ارتکاب جرم نه تنها از جنبه کیفری مسؤولیت دارند بلکه اگر عمل آنها از جمله تخلفاتی باشد که در قانون بدان تصریح شده است، از لحاظ اداری نیز مسؤولیت دارند. انواع تخلفات اداری در ۳۸ بند در قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ بیان شده است که یکی از این تخلفات، اختلاس است.

ایراد خسارت به اموال دولتی نیز در بند ۱۰ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، تخلف اعلام شده است. انواع مجازات‌ها با عنوان تنبیهات اداری، در ماده ۹ قانون مزبور بیان شده است که می‌تواند از اخطار کتبی بدون درج در پرونده تا اخراج و انفصال دائمی از خدمات دولتی را شامل شود.

برای رسیدگی به تخلفات اداری، هیأت رسیدگی به تخلفات اداری تشکیل می‌شود که در صورت احراز تخلف یا تخلفات در مورد هر پرونده صرفاً یکی از مجازات‌های این قانون را اعمال خواهد نمود؛ به عبارت دیگر، هیأت رسیدگی به تخلفات اداری نمی‌تواند دو مجازات اداری را در حکم قید کند. اخراج و انفصال دائم کارمند دولت، مشکلات زیادی برای خود کارمند و خانواده وی به بار می‌آورد؛ به همین دلیل در ماده ۱۱۰ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، قانونگذار تدابیری اندیشیده است تا مقداری از مشکلات خانواده‌های متخلف را بکاهد. طبق این ماده، کارمندی که بیش از ۵۰ سال سن و بیشتر از پانزده سال سابقه خدمت داشته باشند با حکم مراجع قضایی و یا آرای هیأت رسیدگی کننده به تخلفات اداری، به اخراج و انفصال دائم از خدمت محکوم می‌شوند. به تشخیص هیأت‌های تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری، برای معیشت خانواده آنها مقرری ماهانه که از حداقل حقوق کارمندان دولت تجاوز نکند برقرار می‌گردد.

بدین ترتیب قانونگذار خواسته است با این اقدام، هم فرد متخلف را تنبیه کند و هم اثرات زیان‌بار انفصال دائم و اخراج را نسبت به خانواده وی تا حدی کاهش دهد.

## ۳-۶- پاسخ مدنی به اختلاس

اگرچه حقوق مدنی و کیفری در حال حاضر از یکدیگر جدا شده‌اند، اما با این حال، بین این دو رشته ارتباط وجود دارد. همان‌طور که قبلاً بیان شد، نتیجه در جرم اختلاس، ورود

ضرر مالی به دولت است. مالباخته برای جبران ضرر و زیان می‌تواند از طریق حقوقی اقدام نماید. درست است که یکی از محکومیت‌های مرتکب اختلاس، رد مال است و نیازی به ارائه دادخواست نیست، ولی مالباخته می‌تواند از طریق دادخواست، منافع خود را مطالبه نماید.

### ۷- پیشگیری از جرم اختلاس

همان‌طور که در تعریف سیاست جنایی گفته شد، پیشگیری از جرم، یکی از ارکان سیاست جنایی است؛ در حقیقت با ورود مفهوم پیشگیری به قلمرو سیاست جنایی بود که قلمرو آن وسیع‌تر شد. می‌توان گفت که پیشگیری، هر نوع اقدام و برنامه‌ای است که از طریق پیش‌بینی، شناسایی و اقدامات لازم و کافی، مانع از بروز جرم، جنایت و بزه‌کاری در سطح جامعه در آینده می‌شود (الهی‌منش و مرادی اوججاز، ۱۳۹۳، ب، ص ۹۹).

در خصوص پیشگیری از بزه اختلاس بایستی اذعان نمود که از میان اقسام پیشگیری، پیشگیری اجتماعی که از طریق پرداخت دستمزد و حقوق کافی به کارکنان دولت، به همراه ارتقای بنیة اعتقادی و مذهبی و اقدامات آموزشی و فرهنگی (در جهت کاهش حس مال‌دوستی و ثروت‌اندوزی) و شایسته‌سالاری که از طریق بازرسی و نظارت مستمر و مداوم بر اعمال کارکنان دولت میسر می‌گردد مؤثر و مفید خواهد بود؛ به نحوی که مانع تبدیل اندیشه مجرمانه به فعل مجرمانه شود.

## نتیجه

برای کنترل بزه‌کاری بایستی از سیاست جنایی سود جست؛ چراکه سیاست جنایی، از طریق بازاجتماعی کردن مجرمین، از بین بردن علل وقوع جرم و اصلاح مجرمان، نقش بسزایی را ایفا می‌نماید.

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، تحوّل عمیقی در سیاست جنایی ایران بوجود آمد که به علت تعجیل و شتاب‌زدگی، سیاست جنایی تقنینی ایران در مورد بزه اختلاس، دوگانه است. علت این دوگانگی را باید در تعدد مراجع قانونگذاری و عدم توجه به آموزه‌های جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی دانست. تعدد مراجع قانونگذاری در مورد اختلاس باعث تفاوت در موضوع جرم اختلاس اشخاص عادی و نظامی، اختلاف در بیان رفتار مرتکب جرم، اختلاف در مجازات و خرید مال ناشی از اختلاس و اختلاف در جرم‌انگاری اختلاس باندى و شبکه‌ای شده است. علاوه بر این، سیاست جنایی تقنینی ایران در مورد اختلاس از اموال خصوصی، با خلأ قانونی مواجه است؛ زیرا در کشور ما در حال حاضر اختلاس از اموال دولت، جرم است و اختلاس از اموال نهادهای خصوصی، وصف کیفی ندارد که این امر برخلاف توصیه نهادهای بین‌المللی است و با توجه به گسترش خصوصی‌سازی در کشور و لزوم حمایت بیشتر از چنین نهادهایی، لازم است که اختلاس، از نهادهای حقوقی، جرم‌انگاری شود.

به هر حال، سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال اختلاس، سرکوب‌گر و قهرآمیز است و از آموزه‌های جرم‌شناسی، نظیر پیشگیری از وقوع جرم غفلت شده است. دیدگاه سنتی نسبت به کیفر و برخورد قهرآمیز با جرایم، امروزه پسندیده نیست و علی‌رغم شکست دیدگاه سنتی در مورد کیفر و پیش‌بینی پیشگیری از وقوع جرم در قانون اساسی، متأسفانه در کشور ما به آن بها داده نمی‌شود؛ زیرا ابزار و امکانات لازم در اختیار نیست و مضافاً پیشگیری از جرم معمولاً زمان‌بر است.

از دیگر سو، مهم‌ترین راهکارهای پیشگیری از جرم اختلاس عبارت است از پرداخت دستمزد مکفی به مستخدمان دولت، بکارگیری کارکنان شایسته و لایق، استفاده از ظرفیت نهادهای مدنی رسانه‌ها، همکاری با نهادهای بین‌المللی، نظارت و بازرسی نسبت به اعمال کارکنان دولت و دارایی آنان به منظور جلوگیری از افزایش ناحق، آموزش زیان‌های فساد و تدوین یک برنامه سیاست جنایی مدون و بلندمدت بر اساس نظرات جرم‌شناسان و نهادهای مدنی و دولت؛ ضمن اینکه لازم است در قانون مزبور بازنگری شود.



## فهرست منابع

- ۱- الهی منش، محمدرضا؛ مرادی اوجقاز، محسن؛ حقوق جزای اختصاصی ۲ «جرایم علیه اموال و مالکیت»، انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۹۳. (الف)
- ۲- الهی منش، محمدرضا؛ مرادی اوجقاز، محسن؛ نقش تغذیه با شیر مادر در پیشگیری از وقوع جرم، مجله علمی - تخصصی قضاوت، شماره ۷۹، سال چهاردهم، پاییز ۱۳۹۳. (ب)
- ۳- پیکا، ژرژ؛ جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
- ۴- تسلیمی، محمدسعید؛ تحلیل فرآیندی خط مشی گذاری و تصمیم‌گیری، سمت، ۱۳۸۶.
- ۵- حسینی، سیدمحمد؛ سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۶- خوبی، سیدابوالقاسم؛ مبانی تکلمه المنهاج، جلد دوم، انتشارات مطبوعه العلمیه، ۱۳۶۹ق.
- ۷- دهخدا، علی‌اکبر؛ لغتنامه دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- ۸- طوسی، ابی‌جعفر محمدبن الحسن بن علی؛ النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران، بی‌تا.
- ۹- عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی عمید، جلد اول، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۰.
- ۱۰- قیاسی، جلال‌الدین؛ مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- ۱۱- گلدوزیان، ایرج؛ بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی (۱-۲-۳)، نشر میزان، ۱۳۸۸.
- ۱۲- لازرژ، کریستین؛ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، یلدا، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ۱۳- لازرژ، کریستین؛ درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات میزان، چاپ اول، بهار ۱۳۸۲.

۱۴- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم‌بیگی، حمید؛ *دانشنامه جرم‌شناسی*، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۰.

۱۵- نجفی توانا، علی؛ *مجموعه مقالات پیرامون سیاست جنایی*، انتشارات آموزش و سنجش، چاپ اول، ۱۳۸۹.

قضاوت

### **Iran's criminal policy against embezzlement**

Mohammadreza Elahi Manesh\*

Mohsen Moradi Ojqaz\*\*

Mohammad Rezaei Bashir\*\*\*

*Received:17/5/2015*

*Accepted:26/9/2015*

#### **Abstract:**

Governments, in order to manage society and regulating the social relations, make a large part of their capital and property and documents available to their employees. It is possible that government officials commit violations or wastage regarding government funds and property and documents that have been duly entrusted to them. In order to prevent misuse of state property and capital by state employees and ensuring the capital, the legislature sought to provide criminal protection for them. This protection is called criminal embezzlement. Embezzlement misdemeanor is state employees and other agents violating public service which is done to the property of the state and individuals. The harmful political, social and economic effects of embezzlement are no secret and cause skepticism to the government and its employees. Iranian legal system, in order to provide a reaction to the crime of embezzlement, requires a new organization that is consistent with the views of scholars of criminal policy. At present, the criminal policy against the mentioned crime is repressive and legislative policy of Iran suffers duality and sometimes criminal and judicial policies are in conflict. Prediction of severe penalties such as long-time imprisonment and even the death sentence comes from the traditional view about crime and neglecting the teachings of criminology and criminal sociology. Judges, to avoid adverse consequences of the criminal process, are hesitant to impose such severe penalties. On the other hand, not much attention is paid to the issue of crime prevention as the most effective criminal policy, to reduce the effects of violent criminal policies that are currently faced with serious challenges.

**Key word:** embezzlement, criminal policy, prevention.

---

\*Assistant Professor of Law Faculty at North Tehran Islamic Azad University.  
Elahimanesh92@yahoo.com

\*\*Ph.d student of Criminal Law and Criminology at Allameh Tabatabai University.  
Mohsen\_Moradi@gmail.com.

\*\*\*M.A. in Criminal Law and Criminology.  
M.rezaebashir@yahoo.com